

### متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم با سلام خدمت استاد طاهرزاده: جناب استاد از این که وقت گرانبهای شما را می‌گیرم عذر خواهی می‌کنم جناب استاد وقتی صحبت‌های آیت الله جوادی را در باره هاشمی در سوال یکی از کاربران خواندم شوک زده شدم. روزگاری اگر آیت الله جوادی در مقابل آیت الله مصباح از هاشمی دفاع می‌کرد تا اندازه‌ای قابل هضم بود اما امروز را به هیچ نحوی نمی‌توان توجیه کرد. کسی که موضع گیریهایش درباره رهبر آفتابی شده است و وقتی رهبر سهم مهلک را درباره ارتباط با آمریکا از برجام می‌داند ایشان با کمال وقاحت و بی‌ادبانه می‌گوید بعضی چشمانشان را می‌بندند و دهانشان را باز می‌کنند و می‌گویند برجام سم مهلک است. کسی که وقتی رهبر، نبود آیت الله مصباح و آیت الله یزدی را در مجلس خبرگان خسارت می‌دانند چه توهین‌هایی در آن نامه که برای مردم می‌نویسد نثار این دو عالم می‌کند خصوصا کسی که رهبر انقلاب او را کسی می‌داند که خلاء شهید مطهری و علامه طباطبایی را برای نسل امروز پر کرده است. کسی که صریحا حکم قوه قضاییه جمهوری اسلامی را به سخره می‌گیرد چرا که دامن خود او را گرفته و فرزندش را به محاکمه کشیده و در مقابل همسرش که لغت بی‌ادبانه پدر سوخته بازی را به حکم قوه قضاییه می‌دهد هیچ موضعی نمی‌گیرد. کسی که فرزندان‌ش در جریان فتنه بر اساس صوت موجود چه توهین‌هایی به رهبر معظم می‌کنند و ایشان دم بر نمی‌آورد و همیشه حمایتشان می‌کند. کسی که وقتی بیشتر مردم در فقر و فشار زندگی از اولین امکانات محروم هستند خودش فرزندان‌ش را تشویق به اسب سواری و اسکی و گردش در سد لتیان و... می‌کند و گویی سخن امام علی (ع) را در باره وظیفه حاکمان در زندگی را نشنیده است. کسی که اشرافیت و تجمل پرستی را در این کشور نهادینه می‌کند و گویی نهیب‌هایی مکرر امام خمینی (ره) را نشنیده که فرمودند اگر روزی دولت ما توجه به کاخ پیدا کند و خوی کوخ نشینی را فراموش کند آن روز است که باید فاتحه دولت و ملت را خواند. کسی که لیبرالیسم را تا هم فیها خالدون در این مملکت نهادینه کرد و مسبب بسیاری از ناهنجاریهای اعتقادی و اخلاقی... شد و فرهنگ و ارزشها را به مسلخ برد. به قول دکتر شهريار زرشناس غرب شناس برجسته، دولت سازندگی ظالمانه ترین مدل اقتصادی یعنی سرمایه داری شبه مدرن ایران را که ام الفساد و منشا فاصله طبقاتی ها و منشا بی عدالتی ها و منشا بحران های مستمر است را در ایران باسازی کرد و بعد ثمره وحشتناک اعمال خودشان را به حساب انقلاب گذاشتند. کسی که در صحبت‌هایی که مخ آدم سوت می‌کشد نگران است عساکری پیدا نشوند و این خانمها و چهره های زیبا را از دست مردم خارج کنند!!!! کسی که هم مسبب آتش فتنه می‌شود و هم در طول فتنه بی‌توجه به توصیه های مکرر رهبر خطش

را از فتنه جدا نمی کند و تایید تلویحی هم دارد. کسی که در این سالها تمام تلاشش این است که با اتهام تند روی نیروهای مومن و انقلابی که به قول رهبر انقلاب در زمان خطر مدافع انقلاب اینانند را به هر شکل ممکن لجن مال و از صحنه خارج کند. کسی که کرباسچی و مدیران از این دست، دست پرورده های اویند کرباسچی که جنابعالی او را شمر انقلاب خواندید. کسی که هر جا سخن می گوید بوی منیت از سخنانش هویداست و مشام را آزار می دهد. کسی که امروز اگر در ایران کسی باشد که آمریکا و اسراییل و تلویزیون ضد انقلاب و حتی وهابیت و داعش به او امید داشته باشند ایشان است و این مطلب از سخنان آنها به راحتی قابل درک است و بعضا تصریح می کنند. کسی که مواضعش درباره مقاومت در سوریه و... تامل برانگیز است. تازه اگر سخنان سید حمید روحانی تاریخ نگار انقلاب درباره ایشان و نامه اش به ایشان را بپذیریم که فاجعه است که حتما استاد عزیز ما خود خوانده و شنیده اند. حال جناب استاد عزیز ما اینها نمونه هایی از نقدهای منتقدان و دلسوزان به ایشان است حال شما بفرمایید کدامش نابجا دروغ و تهمت و تخریب است که آیت الله جوادی از تخریب هایی که صورت می گیرد ابراز تاسف می کنند اگر این روشن گریها هم نبود که واقعا حقیقت گم می شد. عجیب تر این که آیت الله جوادی می فرمایند تشکیل حکومت و زمینه سازی برای راهنمایی انسانها آرزوی همه انبیاست و این انقلاب فرصتی برای ماست که مردم را راهنمایی کنیم و در این راه از تلخی ها نرنجیم و باید صبر کنیم. جناب استاد گرچه این سخن در جای خود بسیار درست است اما چه نسبتی به مخاطب این جملات که آقای هاشمی هستند دارد واقعا سخنان ، سیره عملی و زندگی شخصی هاشمی، همسر و فرزندان ایشان نوع زندگی و موضع گیری و صحبتهایشان ، حزب کارگزاران ایشان ، سیاست لیبرالیستی غفلت زای ایشان که خود شما می فرمودید پس از سخنرانی ایشان در اصفهان ، برای رهبری همان سالهای اول نامه نوشتم که این سخنان غفلت زاست یا به قول آقای احمد توکلی که می گفتند همان سالها در روزنامه مقاله نوشتم که این سیاست توسعه کم کم در خیابانهای تهران علاوه بر موی سر خانمها ساق پای آنها را هم برهنه خواهد کرد. براستی کدام یک از اینها در جهت راهنمایی انسانها به سوی خدا بوده که آیت الله جوادی چنین چیزی را به ایشان گفته و صبر ایشان را می ستاید؟ هاشمی که اتفاقا عکس اینها عمل کرد و جامعه را دچار غفلت و تجمل پرستی نمود مانور تجمل ایشان که اظهر من الشمس است. تازه می فرمایند هر نعمتی با مسئولیتی همراه است که یکی از ویژگی های شما صبر است که به قول معروف کیمیاست و خدا هم به شما داده است. جناب استاد براستی آیت الله جوادی خبر ندارند که در دوران سازندگی حاکم بلامنازع ایشان بودند و تقریبا تمام صداها در گلو خفه و مردم شعار می دادند مخالف هاشمی مخالف رهبر است، مخالف رهبری دشمن پیغمبرست. در دوران اصلاحات دوستان و مشاوران خود ایشان همچون اکبر گنجی و... بر ایشان شوریدند و مطالبی گفتند و نوشتند و در آخر هم که خاتمی ادامه دهنده راه ایشان بود در زمان احمدی نژاد هم که با آن نامه بدون سلام والسلام سراسر منیت، زمینه آتش فتنه را فراهم کردند و از هر فرصتی برای تخریب دولت استفاده کردند و سخن گفتند، در زمان روحانی هم که دیگر

چه باید بگویند تخریب دولت گذشته، توهین های سنگین به منتقدان حتی آیت الله مصباح و... به سخره گرفتن حکم قوه قضائیه در باره پسرش را هم با ساختن فیلم خدا حافظی، اگر ایشان آنچه که آقای جوادی می گویند کیمیای صبر را داشتند حداقل در این باره صبر می کردند و یکی از قوای مملکت را زیر سوال نمی بردند، آن هم درباره کسی که جرایمش روشن است. البته ما جایی سراغ داریم که ایشان واقعا صبر و سکوت کردند آن هم در فتنه. استاد عزیز باز هم ما را ببخشید ولی به ما حق بدهید که دل ما از این همه کوه علم و تفسیر سرد شود و برای ما روشن کنید پس جایگاه بصیرت قرآنی کجاست اگر نبود سخنان بزرگانی مثل رهبر انقلاب، آیت الله مصباح، خود شما، کارشناسان برجسته انقلاب و...، به خود می گفتم جوجه تو چه می فهمی او کوه علم است و ساده از کنارش رد می شدیم. اما اکنون نمی شود اگر روزگاری در جریان انتخابات بعضی طلاب در حرکت بسیار بسیار غلط به ساحت ایشان توهین کردند علتش همین نگرش ایشان است. استاد عزیز در جواب از مقام بلند آیت الله جوادی و حفظ شان ایشان نویسد این وظیفه همه است و ما باید عقیده ایشان را محترم بشماریم بلکه علت ندیدن این همه انحراف را روشن بفرمایید. آنچه شما و... می بینند.

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حقیقتاً اگر آیت الله جوادی از نادر علمایی نبودند که به شدت مقام معظم رهبری را تأیید نمی کردند، راحت می توانستیم مسئله را برای خود حل کنیم و بگوییم آیت الله جوادی در این موارد که نقد آقای هاشمی است، با رهبری اختلاف دارند و بدین دلیل است که بنده تصور می کنم قضیه باید چیز دیگری باشد و آیت الله جوادی از حرکات آقای هاشمی تفسیر دیگری باید داشته باشند به خصوص که اگر آقای هاشمی قبل از صحبت رهبری چیزی را تأیید کرده باشند و بعد رهبری آن را نفی کنند به معنای آن نیست که آقای هاشمی در مقابل رهبری چنین گفته اند. بعضی از نکاتی که فرموده اید از این جنس است ولی به هر حال نامه ی بدون سلام او که منشأ فتنه ی سال ۸۸ شد؛ از خاطره ی تاریخ انقلاب پاک شدنی نیست، هرچند نمی خواهیم بگوییم آن نامه علت اصلی آن فتنه شد و آقای هاشمی را پشتیبان فتنه بدانیم، اما بالاخره معنای آن نامه بسیار معنای تلخی بود. آنچه بنده در این موارد و امثال آن تأکید دارم عقل و ادب ادامه ی انقلاب در این تاریخ است بدین معنی که سعه ای باید که در آن سعه، انقلاب اسلامی جایگاه چنین افرادی را تعیین می کند که نه آن جایگاه صفر محض است و نه تأیید محض بلکه شعوری و بصیرتی در این مرحله از انقلاب نیاز است که با همه ی طول و تفصیل های طیف شخصیتی افراد بتوانیم نسبت مناسبی با افراد بیابیم و این مرحله ی بلوغ انقلاب اسلامی است و عبور از خطر دو قطبی شدنی که ما را هنوز در مرحله ی قبل از انقلابی که مقابله ی کفر با ایمان بود قرار می دهد. موفق باشید